

الله تعالی توفیق بقامته و اتباع سنت و محبت مشایخ و ترک و انزوا و یاس از خلق امید از خدا سبحانه و توکل
 اینها را در جمیع دوستان مراد من افکاره خاک پیر عمر بر باوه داوه را این حالات عطا فرماید بهتر از انفعال محض
 زیرا که مرشدان در تحریر اجازت نامهها هر دو نقطه مینویسند پس میگویم دست ایشان که بهتر از دست من است
 دست من است بیعت بخدمت اینها که اقوی در بر مساوت و درجات است بیعت من است الله تعالی
 مبارک فرماید بشیر طیکه از اهل دنیا اعراض نمایند و پاشکسته بر حق بصدق و عده کریم مطلق جل سلطانه
 نشینند و ایشانند ارکان طریقه من و حاصل توجیحات سالهای من اللهم و قفنی و ایا هم طر ضا یکا و مرغی
 صدیک صلی الله علیه و سلم و اجعل آخرتانی خیر من الاولی آمین آمین ۲

پایان دوم

از کتاب کلمات طیبات و ترجمه رساله اسرار العارفين پیر الطالبيين
 شیخ شهاب الدین سهروردی رحمه الله علیه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وآله اجمعين
 اما بعد خانه باسی فقیر و یران شدند و شهر بایش بی بنیاد فقرا رحلت کردند و گذشتند و پیشهان
 و مترسکان بسیار شدند اما که شنو نند به غیبت و دروغ و طلب دنیا و فریب و نفاق و بغض و فعل
 و عیش و حقد و حسد و کبر و غضب و حرص و ریاء و القار عداوت و در غیبت امارت و صحبت سلاطین
 و امر و اهل قلم و اهل حرام که دل را میبندد و چون شهادت بچو کسان مقبول نیست اقدارشان و
 کلاهگیر خلق از ایشان چگونگی روا باشد فبذا خواستم که کتابی نویسم در علم ساکنان و فقر و عار خان تا آنکه
 عزم تصنیف کردم و قلم را جولان دادم و اسرار الطالبيين پیر العارفين نامش نهادم
 و سوال میکنم از خدا که توفیق آتاش و بد چنانکه بشیر و عیش و او و ما انصر الامن عنده الله و بهیوست

کل شیئی تقدیریه بالاجابة تقدیریه بنده را ترویجی حق تعالی و تقدس دست ندهد مگر بدوری از خلق چرا که ترویجی
 خلق از ذکر الله و عبادت و طاعتش و فکر در ملک و ملکوتش باز میدارد پس ترویجی او بدون دوری خلق
 صورت ندهد و تعالی شانه چنانکه قرب سلطان و قرب بنده ببولی که بدون بعد از غیر سلطان و غیر مولانا
 راست نیاید سیره شیخ آنست که ذاتش قدس باشد و صفات ذمیرایش فانی و صفات حمیده اش
 باقی چه کسی چیزی از صفات بشریه در یافت و امریکه دیگر بر ایران ولایت کند و راه نماید بر و ظاهر
 نشده صلاحیت مستحبت ندارد و او خود محتاج به شیئی و مرشد که او را معرفت و طریقت آموزد و کذا افعال
 و شیخ ابوالغیث البیہقی رحمه الله علیه سیره هر که صوف و حقیق پوشید فقر حریب و لذت نیکو و در با سلاطین
 و اهل دنیا نیامیزد و هر که نه اینچنین است در لباس انبیا و اهل سلوک حیانت و زریده باشد و خوش
 او انگروه سیره فقیر را نجات طوک و سلاطین حلال نیست که از صحبت ایشان قلبش میبرد و روایت
 از ابن ابی طالب کرم الله وجهه که صحبت ملوک فتنه است و خوردن طعام شان سم قاتل که دوامی ندارد
 و فرمود رضی الله عنه علم معرفت است و دیدن روی ظالم قلب را سیاه میکند و معرفت حاصل نمیشود
 روایت است از ابوالحسن نوری رحمه الله علیه که گفت چنانکه از تاثیر صحبت بدکار نیکو کار شود همچنان
 نیکو کار بدکار گردد و هر که این مسئله را انکار کند بطلان و گمراه و زندق است که انکار حدیث کرده آنکه فرمود
 رسول خدا صلی الله علیه و سلم الصبره ثور و گفت علی رضی الله عنه صحبت صالحان نور و صحبت مست
 اهل عالم را سیره سالک باید که بذكر مشغول باشد تا آنکه هر مومنی از سونهای بدنش زبانی باشد
 سیره اصل و راقامه سلوک و ریاضت نفس و ثمره ارادت انبیت که خود را از اهل دنیا و صحبت اغنیاء
 و سلاطین و هوای نفس دور دارد سیره مرید بقدری باید که تمامی فضول بجز فضول نظر فضول کلام و طعام بجا بماند
 صفایر و کبار بجناب کند سیره روایت است از ابوبکر شبلی رحمه الله علیه که گفت مرید را خصوصاً و حقا مولانا باید که سیره
 حاجت کلام نکند سیره هر گاه مرید از خلوة و عزت بیرون آید سر خود بر قدم شیخ بند بطریق شکر و منت و آنچه بعضی فقها گفته
 که زین فعل با فریشود و اکثری بعد کفر نیز قائل شده اند که این نجات است نه عبادت زیرا که شیخ مگر ای مرید نیست سیره اصل
 و طریق فقیر پرست کردن است از دنیا چنانکه رسول خدا فرمود صلی الله علیه و سلم حبل الله نیاراش کل خطیئة
 وقتنة و بلیة سیره مرید که فقیر باشد بقدر حاجت کسب کند و بعد فراغ از کسب بذكر مشغول شود

و کسب میان خلق نه پسند و سوامی مراقبه و آن نظر کردن است و در نیکیات بعضا یقین بچو عالم حکومت
و بعض گفته اند مراقبه مراعات سیرت است برای ملاحظه غیب بهر طریقه و ملاحظه سیرت خلوت ترک و ادون احتیاط مردم است
اگر میان ایشان باشد بعض گفته اند غالی شدن است از تمام اذکار سوا ذکر الله و بعض گفته اند انس گرفتن
ست بزرگ و مدت آن چهل روز است بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم من اخلص الله اربعین صتی کما
تظهرت نیایع الحکمة من قلبه علی لسانه سیرت عزت و در شدن است از اهل زمانه ترک طمع و در راه
و شوقش بلزوم پیوستگانی سیرت صحبت افتاد اهل دنیا قلبت من را می پندارند و با الله نهاد چون قلب مومن می پند
سنگ و کلخ گرد و پس هر چه خواهد بگوید سیرت حسن بصری روایت کرد از امیر المومنین علی کرم الله وجهه که
گفت هرگاه بر منی مروی را که به حاجت با مردم اشتغال میکنند و دنیا می طلبند و باز فزای را می طلبند پس بدین
او نزدیک و مرد دوست و وزومی است از وزوان دنیا سیرت روایت است از ابو یزید بسطامی رحمه الله علیه که
گفت طالب دنیا طالب خدا نباشد و احتیاط اهل سلوک در طریق طلب خدا با ساکنان است نه با اهل دنیا سیرت
شخصی که بر قانون نه سبیل سنت و جماعت نباشد و حرکات او سوافق کتاب الله و سنت رسول الله شود
از قطاع الطرق و وزوان دین است سیرت روایت است از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه که گفت بدین
مردم دیگر کننده مردم کسی است که غم دنیا نبرد و برسد دنیا را که است گفت آنکه زیاده از قوت شایسته
طلب که او غنی است نه فقیر و لهذا امام شافعی رحمه الله علیه فرمودند که زیاده بر قوت روز و شبی در هر دو
فقط واجب گردانیده سیرت روایت است از علی کرم الله وجهه که گفت همه قلب است تکب با هر طریقی
و قلب شهید قلب سلیقه است که هر چه حرفت خدا چیزی در آن نباشد تکب شهید آنکه از هر چیزی خدای عزوجل
باز گردد و قلب شهید آنکه او تعالی و تقدس را در هر چیزی مشاهده کند سیرت شیخ بایه که عارف و اولیای
مرد باشد تا حسب حال او صحبت در اینها می کرده باشد و آنکه نماند چنین است گمراه است و گمراه کننده
سیرت مرد را ترسید که در قلب او نور از حب و تیا باشد چه دنیا مری است پس فرمود از آن بچو قطره نخل
که چون در آب افتد تمام آب فاسد و تبا شود سیرت مثل سخن طریقت گفته اند که صحبت تو نگران فقیر است
قاتل است که در او ای نیست و حاصل با این بودم آنکه از اهل دنیا بقدر استطاعت و امکان سیرت
چه صحبت دنیا در دنیا می مردم جا کرده است پس اگر صحبت شان خضری عظیم خواهد رسید سیرت

فهرست کتاب کلمات طیبات



| مضمون | صفحه | مضمون | صفحه |
|---|------|--|------|
| کتابت هشتم ایضا | ۱ | باب اول از کتاب کلمات طیبات مشتمل است بر چهار فصل | ۱ |
| کتابت نهم در بیان اینکه چه طور سلوک نماید که بپروردگارش نزدیک گردد | ۲ | فصل اول در مکتوب حضرت غوث الثقلین | ۲ |
| کتابت دهم ایضا | ۳ | کتابت اول در مکتوب حضرت غوث الثقلین و مکررات ذکر آیات قرآنی که مناسب این معنی دارد و گردیده | ۳ |
| کتابت یازدهم ایضا | ۴ | کتابت دوم در امر بر سرین از روز قیامت و محاسبه آن و مکررات قرآنی مناسب این معنی | ۴ |
| کتابت دوازدهم در بیان اینکه چه طور سلوک نماید که بپروردگارش نزدیک گردد | ۱۰ | کتابت سوم در اتماع از لغافل و سحر و شدن بچهار دنیا و ذکر آیات قرآنی مناسب این معنی | ۵ |
| کتابت سیزدهم ایضا | ۱۱ | کتابت چهارم در بیان نوریت قلبی که از اشاره کلام الهی معلوم میشود و ذکر آیات قرآنی مناسب این معنی | ۶ |
| کتابت چهاردهم ایضا | ۱۲ | کتابت پنجم در بیان ثمرات و فوائد یکدیگر از تاج شریف و حیا و نیادی حاصل میگردد و ذکر آیات قرآنی مناسب این معنی | ۷ |
| کتابت پانزدهم در بیان اموریکه بر مالک از ان اجتناب کردن ضروری است و ذکر آیات قرآنی مناسب این معنی | ۱۳ | کتابت ششم در بیان ثمراتیکه از توجه و فکر نمودن در معنی آیه است بر یکم حاصل آید و ذکر آیات قرآنی مناسب این معنی | ۸ |
| کتابت شانزدهم در بیان امریکه از حق و دعوی او شان نیست | ۱۴ | کتابت هفتم در بیان مقامات که سالک اگر بدان رسد چه ثمره حاصل آید و ذکر آیات قرآنی که اشاره بان مقامات در آنها بلاید | ۹ |
| کتابت هجدهم در بیان علم حضوری و حصولی | ۱۵ | | |
| کتابت بیستم در جواب شبهاتی که بر کلام حضرت مجدد و مینانید | ۱۶ | | |
| کتابت بیست و یکم در جواب شبهاتی که بر عقاید حضرت مجدد و مینانید | ۱۷ | | |
| مجموعه میسند | | | |

| صفحه | مضمون | صفحه | مضمون |
|------|---|------|---|
| ۱۹ | دوازدهم از قریش خواهند بود | ۱۹ | مکتوب هفتم در بیان نفس یکی بر دیگری از حضرت |
| ۲۰ | مکتوب هشتم در توجیه طاعت حضرت عائشه از حضرت | ۲۰ | مکتوب نهم در بیان سنی قول صوفیه صوفی تا خود را زکات |
| ۲۱ | امیر المومنین علی مرتضی | ۲۱ | مکتوب دهم در دفع شبهه که منزه صبر دینی که بلا باشد |
| ۲۲ | مکتوب نهم در بیان التزام اتباع سنت | ۲۲ | مکتوب یازدهم در بیان ذکر جبر و ذکر خفی |
| ۲۳ | سنیه و تحصیل مرتبه حضور و محبت و انگاری | ۲۳ | مکتوب دوازدهم در بیان مسئله سماع |
| ۲۴ | مکتوب بیست و دوم در بیان بعضی درجات طریقیه | ۲۴ | مکتوب سیزدهم در مسئله حیر و اختیار |
| ۲۵ | مکتوب بیست و سوم در تصویر مسئله وحدت وجود | ۲۵ | مکتوب چهاردهم در بیان آئین کفاه پسند |
| ۲۶ | مکتوب بیست و چهارم تشخیص باحوال ظاهری | ۲۶ | مکتوب پانزدهم در بیان رفع سبابه |
| ۲۷ | شیخ و مکتوب الیه | ۲۷ | مکتوب شانزدهم در بیان عمل با سجد شیواستقال |
| ۲۸ | مکتوب بیست و پنجم ایضا | ۲۸ | از مذاهبی بجهت بی |
| ۲۹ | مکتوب بیست و ششم ایضا | ۲۹ | مکتوب هیفتم در بیان عقیده اهل سنت |
| ۳۰ | مکتوب بیست و هفتم در سپارش شیخ فالدین | ۳۰ | و جماعت در حق معاویه بن ابی سفیان |
| ۳۱ | مکتوب بیست و هشتم در هدایت ختم خوابگان | ۳۱ | مکتوب نهم در بیان عقیده اهل سنت و جهالت |
| ۳۲ | و ختم حضرت مجددی | ۳۲ | در حق صحابه و اهل بیت زنی با اجمال |
| ۳۳ | مکتوب بیست و نهم در سپارش محمد فانش ننگالی | ۳۳ | مکتوب نوزدهم در بیان خلفاء که موافق حدیث است |
| ۳۴ | مکتوب سی ام باطلاع رحلت میان محمد سید | | |
| ۳۵ | و سفارش زلفی علی خان | | |
| ۳۶ | مکتوب سی و یکم شغل بر تاسع باحوال مولوی | | |
| ۳۷ | قلند بخش و بے سلامی خود | | |
| ۳۸ | مکتوب سی و دوم در هدایت التزام شریعت | | |

| صفحه | مضمون | صفحه | مضمون |
|------|--|------|---|
| ۵۱ | مکتوب چهل و نهم در سفارش محمد شاه | ۵۱ | دشمن طریقت |
| ۵۰ | مکتوب پنجاهم در سفارش میر سید احمد | ۵۰ | مکتوب سی و سوم در تسلی مکتوب الیه |
| ۵۲ | مکتوب پنجاه و یکم در سفارش میان محمد اکبر | ۵۰ | مکتوب سی و چهارم مشتمل بر اجازت سوره تلاوت |
| ۵۱ | مکتوب پنجاه و دوم مشتمل بر احوال سفر خود | ۵۰ | برای وضع اعداد ترتیب آن |
| ۵۱ | مکتوب پنجاه و سوم در سفارش حضرت میر سلیمان | ۵۰ | مکتوب سی و پنجم در هدایت تلاوت سوره تلاوت |
| ۵۰ | مکتوب پنجاه و چهارم مشتمل بر احوال سفر خود | ۵۰ | و در عازب البحر |
| ۵۲ | مکتوب پنجاه و پنجم در حضرت میر سلیمان | ۵۰ | مکتوب سی و ششم در سفارش زلفریج لالی |
| ۵۰ | مکتوب پنجاه و ششم باطلاع صنف جهانی و سفر | ۵۰ | مکتوب سی و هفتم مشتمل بر نصائح |
| | وطن اصلی | ۵۰ | مکتوب سی و هشتم |
| ۵۰ | مکتوب پنجاه و هفتم در تربیت میر محمد کریم خان صاحب | ۵۰ | مکتوب سی و نهم |
| ۵۵ | مکتوب پنجاه و هشتم در ارسال اشعار چند | ۵۰ | مکتوب چهل و یکم در اجازت عازب البحر |
| ۵۰ | مکتوب پنجاه و نهم عتوی بلین مضمون که کلام | ۵۰ | مکتوب چهل و یکم مشتمل بر مضامین نصیحت آمیز |
| | از روی ارجح نظر نقد دیگر است | ۵۰ | مکتوب چهل و دوم در بیان استفسار حالات سفر |
| ۵۱ | مکتوب شصتم در سفارش | ۵۰ | مکتوب الیه و مضامین نصیحت آمیز |
| ۵۰ | مکتوب شصت و یکم در بیان انگار از صنف شعر | ۵۰ | مکتوب چهل و سوم در سفارش نیر علیخان |
| ۵۰ | قال درین در حدیث شریف زیاد دیگر مضمون است | ۵۰ | مکتوب چهل و چهارم در سفارش بشیر علی خان |
| ۵۰ | مکتوب شصت و دوم در بیان اینکه کار بهایم | ۵۰ | مکتوب چهل و پنجم در سفارش میر سید احمد |
| | و تدبیر باید کرد | ۵۰ | مکتوب چهل و ششم در هدایت تلاوت سوره تلاوت |
| ۵۱ | مکتوب شصت و سوم در سفارش میر محمد حسین صاحب | ۵۰ | صحیح و شام و تعزیت مولوی غلام محلی |
| ۵۰ | مکتوب شصت و چهارم در سفارش بعضی اعزّه | ۵۰ | مکتوب چهل و هفتم در بعضی احوال میان عزیز الله |
| ۵۰ | مکتوب شصت و پنجم شکر مضامین نصیحت آمیز | ۵۰ | مکتوب چهل و هشتم در سفارش میر محمد |

| صفحه | مضمون | صفحه | مضمون |
|------|---|------|--|
| ۴۸ | مکتوب هشاد و چهارم | ۵۸ | مکتوب هشاد و هشتم |
| ۴۹ | مکتوب هشاد و پنجم در ارضی شدن مفرج | ۵۹ | مکتوب هشاد و ششم |
| ۵۰ | مکتوب هشاد و هفتم | ۶۰ | مکتوب هشاد و سوم در احوال شاه |
| ۵۱ | مکتوب هشاد و هشتم | ۶۱ | مکتوب هشاد و نهم در بیان صلح نواب جات با نجیب خان |
| ۵۲ | مکتوب هشاد و نهم | ۶۲ | مکتوب هشاد و دهم در بیان شاه ابدلی یعنی احمد شاه |
| ۵۳ | مکتوب هشاد و دهم در استیضاح تراز جازه والده | ۶۳ | مکتوب هشاد و یازدهم در بیان بعضی معاصین توحید |
| ۵۴ | مکتوب هشاد و یازدهم | ۶۴ | مکتوب هشاد و سیزدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۵۵ | مکتوب هشاد و بیستم | ۶۵ | مکتوب هشاد و چهاردهم در بیان قوم و مردم |
| ۵۶ | مکتوب هشاد و بیست و یکم | ۶۶ | مکتوب هشاد و پانزدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۵۷ | مکتوب هشاد و بیست و دوم | ۶۷ | مکتوب هشاد و شانزدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۵۸ | مکتوب هشاد و بیست و سوم | ۶۸ | مکتوب هشاد و هجدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۵۹ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم | ۶۹ | مکتوب هشاد و نوزدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۰ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم | ۷۰ | مکتوب هشاد و بیستم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۱ | مکتوب هشاد و بیست و ششم | ۷۱ | مکتوب هشاد و بیست و یکم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۲ | مکتوب هشاد و بیست و هفتم | ۷۲ | مکتوب هشاد و بیست و دوم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۳ | مکتوب هشاد و بیست و هشتم | ۷۳ | مکتوب هشاد و بیست و سوم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۴ | مکتوب هشاد و بیست و نهم | ۷۴ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۵ | مکتوب هشاد و بیست و دهم | ۷۵ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۶ | مکتوب هشاد و بیست و یازدهم | ۷۶ | مکتوب هشاد و بیست و ششم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۷ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم | ۷۷ | مکتوب هشاد و بیست و هفتم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۸ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم | ۷۸ | مکتوب هشاد و بیست و هشتم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۶۹ | مکتوب هشاد و بیست و ششم | ۷۹ | مکتوب هشاد و بیست و نهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۰ | مکتوب هشاد و بیست و هفتم | ۸۰ | مکتوب هشاد و بیست و دهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۱ | مکتوب هشاد و بیست و هشتم | ۸۱ | مکتوب هشاد و بیست و یازدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۲ | مکتوب هشاد و بیست و نهم | ۸۲ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۳ | مکتوب هشاد و بیست و دهم | ۸۳ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۴ | مکتوب هشاد و بیست و یازدهم | ۸۴ | مکتوب هشاد و بیست و ششم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۵ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم | ۸۵ | مکتوب هشاد و بیست و هفتم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۶ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم | ۸۶ | مکتوب هشاد و بیست و هشتم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۷ | مکتوب هشاد و بیست و ششم | ۸۷ | مکتوب هشاد و بیست و نهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۸ | مکتوب هشاد و بیست و هفتم | ۸۸ | مکتوب هشاد و بیست و دهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۷۹ | مکتوب هشاد و بیست و هشتم | ۸۹ | مکتوب هشاد و بیست و یازدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۰ | مکتوب هشاد و بیست و نهم | ۹۰ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۱ | مکتوب هشاد و بیست و دهم | ۹۱ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۲ | مکتوب هشاد و بیست و یازدهم | ۹۲ | مکتوب هشاد و بیست و ششم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۳ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم | ۹۳ | مکتوب هشاد و بیست و هفتم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۴ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم | ۹۴ | مکتوب هشاد و بیست و هشتم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۵ | مکتوب هشاد و بیست و ششم | ۹۵ | مکتوب هشاد و بیست و نهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۶ | مکتوب هشاد و بیست و هفتم | ۹۶ | مکتوب هشاد و بیست و دهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۷ | مکتوب هشاد و بیست و هشتم | ۹۷ | مکتوب هشاد و بیست و یازدهم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۸ | مکتوب هشاد و بیست و نهم | ۹۸ | مکتوب هشاد و بیست و چهارم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۸۹ | مکتوب هشاد و بیست و دهم | ۹۹ | مکتوب هشاد و بیست و پنجم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |
| ۹۰ | مکتوب هشاد و بیست و یازدهم | ۱۰۰ | مکتوب هشاد و بیست و ششم در احوال شاه ابدلی در احوال توحید |

| صفحه | مضمون | صفحه | مضمون |
|-----------------|--|------|--|
| ۱۴۷ | مکتوب پانزدهم | ۱۵۲ | کلمات قدیم آنحضرت |
| ۱۴۸ | مکتوب شانزدهم | | وصیت نامه آنحضرت |
| ۱۴۹ | مکتوب هجدهم | ۱۵۴ | فصل چهارم در کتوبات مولانا شاه ولی الله صاحب |
| ۱۵۰ | مکتوب نوزدهم | | الدلهوی رده |
| ۱۵۱ | مکتوب بیستم در تحقیق وحدت وجود و شهود و جمع | ۱۵۵ | مکتوب اول بنام مرزا صاحب دم |
| ۱۵۲ | مکتوب بیست و یکم در شرح بعض اشعار آنحضرت | | مکتوب دوم بنام مرزا صاحب دم |
| ۱۵۳ | مکتوب بیست و دوم در شرح رباعیات آنحضرت | | مکتوب سوم بنام مرزا صاحب دم |
| ۱۵۴ | مکتوب بیست و سوم در شرح ابیات | | مکتوب چهارم بنام مرزا صاحب دم |
| ۱۵۵ | مکتوب بیست و چهارم در منظومات | | مکتوب پنجم بنام محمد امین در تحقیق محل ازلیت آنحضرت |
| ۱۵۶ | مکتوب بیست و پنجم در شرح غزلیه که بر تفسیر بیت اول غزل عراقی علیه الرحمته انشا کردند | | و تعبیر وجود موهوب و بیان تقلید آنحضرت |
| ۱۵۷ | از بعضی مکاتیب شاه غلام علی صاحب دم | | مکتوب ششم بنام خواجہ محمد امین در جواب بعض مسائل |
| ۱۵۸ | باب دوم در ترجمه اسرار العارفین | | مکتوب هفتم بنام خواجہ محمد امین در رفع شبهات مکتوب حضرت مجدد دین |
| فصل پنجم | | | مکتوب هشتم بنام خواجہ محمد امین در کشف اسرار تفضیل نبوت بر ولایت |
| | انچه شد علی احسان که درین ایام سمیت القیام کتاب فیض آفتاب یعنی کلمات حیات از کتوبات حضرت پیران پیر و تفویضات و کتوبات حضرت میرزا سلیمان بجان شهید و حضرت تاجی شاد الله بانی پی و حضرت شاه غلام علی شاه در و حضرت شاه ولی الله محدث دہلوی قدس سرہم سے ترجمہ رسالہ اسرار العارفین بحسب تفسیر و تفسیر معانی پاکیزہ و جامع مہنتانی درین ایام مکتوب محمد عبداللہ سید احمد المرشد مکتوب کاتب علی و کاتب صاحبان گردید فقط | ۱۵۹ | مکتوب نهم در سر قدیم بودن کلام مجید و نزول وحی بواسطہ ملائکہ |
| | | ۱۶۰ | مکتوب دہم در تحقیق بعض اشعار حضرت مولانا روم علیه الرحمته |
| | | ۱۶۱ | مکتوب یازدهم در ذکر شہد از سنا قبل امام بخاری علیه الرحمته |
| | | ۱۶۲ | مکتوب دوازدهم در بیان دلیل واضح بر کفر با جیب |
| | | ۱۶۳ | مکتوب سیزدهم بنام خواجہ محمد امین در حضرت شاه صاحب دم |
| | | ۱۶۴ | مکتوب چهاردهم |

